

القسم الأول:  
تفسير آيات من القرآن الحكيم  
محور اول: تفسير آياتى از قرآن حكيم

پرسش ۵۲: آیهی «لقد صدق الله ورسوله الرؤيا... فتحا قريبا»

السؤال / ۵۲: ما هو تفسير الآية الكريمة: (لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا) [9].

المرسل: إبراهيم رغيل

تفسير اين آیهی کریم چیست؟ «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا» [10] (خداوند رؤیای پیامبرش را به صدق پیوست که گفته بود: اگر خدا بخواهد، ایمن، گروهی سر تراشیده و گروهی موی کوتاه کرده، بی هیچ بیمی به مسجد الحرام داخل می شوید. او چیزها می دانست که شما نمی دانستید و جز آن، در همین نزدیکی فتحی نصیب شما نمود).

فرستنده: ابراهیم رگیل

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

هذه الآية تبين أنّ الرؤيا من الله سبحانه وتعالى، وهي تتحقق إن شاء الله ولو بعد حين، وما يكفر بها إلا الظالمون. وقد تحقق ما وعد الله رسوله بالرؤيا ففتحت

مكة ولو بعد حين، وفتحت خيبر وهي الفتح القريب. والقرآن حي ويجري مجري الشمس والقمر([11])، وهذا هو زمان تحقق هذه الآية مرة أخرى إن شاء الله.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الائمة والمهدين وسلّم تسليماً.

این آیه نشان می دهد که رؤیا از جانب خداوند سبحان و متعال می باشد و اگر خداوند اراده کند محقق خواهد شد، حتی اگر بعد از مدت زمانی چند باشد و کسی جز ظالم به رؤیا کافر نمی باشد. خداوند هر آنچه در این رؤیا به رسول خود وعده داده بود را تحقق بخشید و مکه - هر چند پس از گذشت مدت زمانی - فتح شد و قلعه ی خیبر نیز فتح گردید که همان فتح نزدیک می باشد. قرآن، زنده و همچون خورشید و ماه در حرکت است([12]) و انشاء لله زمانه ی ما، هنگام تحقق دوباره ی این آیه ی شریف می باشد.

**أما في الباطن، فالفتح القريب هو الفتح المبين الذي حصل لرسول الله (ص). وقد بينته في أكثر من موضع في الفاتحة والمتشابهات فراجع.**

اما در باطن، فتح نزدیک همان فتح مبینی است که برای رسول خدا(ص) حاصل شد و در چندین مورد این موضوع را در کتاب «تفسیر سوره ی فاتحه» و «متشابهات» بیان کردم؛ به آن مراجعه کنید.

**وطريق الفتح المبين مفتوح لكل إنسان يريد السعي إلى الله بولي الله وحجته على خلقه. فالمسجد الحرام هو ولي الله ويدخله المؤمنون إن شاء الله آمين محلقين، أي: لا يكون لهم فكر أو رأي مع قوله، بل يسلموا له تسليماً. أما المقصرون فهم دون هذه المرتبة. والشعر يمثل أفكار الإنسان وآراءه، فحلقه أو تقصيره يعني التسليم لمن خلق أو قصر من أجله.**

راه فتح مبین برای هر انسانی که بخواهد به سوی خدا با هدایت ولیّ خدا و حجّتش بر خلقش، سیر نماید، باز است؛ مسجد الحرام همان ولیّ خدا است و ان شاء الله

مؤمنان با امنیت کامل و سرهای تراشیده وارد آن می‌شوند؛ یعنی هیچ گونه فکر و رأیی نسبت به کلام ولیّ خدا نخواهند داشت و به طور کامل تسلیم او خواهند بود. اما مقصّرین، در مرتبه‌ای پایین‌تر از این مرتبه قرار دارند. موی سر، تمثیلی از افکار و آرای انسان است؛ پس تراشیدن و کوتاه کردن آن یعنی تسلیم شدن و اطاعت کردن از کسی که به خاطر او فکر و نظر خودش را تراشیده یا کوتاه کرده است.



[9] - الفتح: 27.

[10] - فتح: 27.

[11] - عن عبد الرحيم القصير، قال: كنت يوماً من الأيام عند أبي جعفر (ع) فقال: (يا عبد الرحيم، قلت: ليبيك، قال: قول الله (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) إذ قال رسول الله (ص): أنا المنذر وعلي الهادي، من الهادي اليوم؟ قال: فسكت طويلاً ثم رفعت رأسي فقلت: جعلت فداك هي فيكم توارثونها رجل فرجل حتى انتهت إليك، فأنت - جعلت فداك - الهادي، قال: صدقت يا عبد الرحيم، إنَّ القرآن حي لا يموت، والآية حية لا تموت، فلو كانت الآية إذا نزلت في الأقسام ماتوا ماتت الآية، لمات القرآن ولكن هي جارية في الباقيين كما جرت في الماضين. وقال عبد الرحيم: قال أبو عبد الله (ع): (إنَّ القرآن حي لم يموت، وإنه يجري كما يجري الليل والنهار، وكما يجري الشمس والقمر، ويجري على آخرنا كما يجري على أولنا) بحار الأنوار: ج 53 ص 403. (المعلق).

[12] - از عبد الرحيم قصير روایت شده است که گفت: روزی از روزها نزد ابو جعفر ع بودم. فرمود: «ای عبد الرحيم» گفتم: ليبيك. درباره‌ی سخن خداوند «أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (فقط تو ترساننده‌ای و برای هر قومی هدایتگری هست) فرمود: «آنگاه که رسول الله (ص) فرمود: من ترساننده و علی، هادی است. امروز هادی چه کسی است؟ عبد الرحيم گفت: سکوتی طولانی کردم. سپس سر را بلند کردم و گفتم: جانم فدایت! در میان شما است که از مردی به مردی به ارث برديد تا به شما رسيد. پس شما که جانم فدایت باد، امروز هدایتگری. امام ع فرمود: «ای عبد الرحيم، درست گفتی. قرآن زنده‌ای است که نمی‌میرد و آیه (نیز) زنده‌ای است که نمی‌میرد. پس اگر آیه‌ای در مورد قومی نازل شده باشد، با مرگ آنان، قرآن هم می‌میرد؛ ولی قرآن در میان آیندگان جاری است همان گونه که در گذشتگان جریان داشته است». عبد الرحيم ادامه داد: ابو عبد الله ع فرمود: «قرآن زنده‌ای است که نمی‌میرد و تا شب و روز جریان دارد، در جریان است همان طور که خورشید و ماه در جریان هستند و قرآن، بر آخرین ما می‌گذرد همان گونه که بر اولین ما گذشت». بحار الانوار: ج 35 ص 403.